

مه‌ار خشونت عليه زنان

1 اسفند 1400

آذر منصوري

خشونت عليه زنان يكي از آسيب‌هاي اجتماعي است كه دنيا با پذيرش آن به عنوان اقدامي ضد بشري، در پي مه‌ار و مقابله با آن است. هر نوع آسيب رساندن به زنان به عنوان نيمي از پيكره جامعه انساني، پيامدهايي به دنبال دارد كه آثار و عواقب آن نه فقط زنان بلكه آحاد جامعه انساني را در بر مي‌گيرد، چراكه زنان جزئي لاينفك از جامعه بشري نيستند به همين دليل است كه واحد سلامت و توسعه سازمان جهاني بهداشت سال‌هاست كه بحث خشونت عليه زنان را به عنوان يك موضوع جهاني مدنظر قرار داده است.

تاكنون تعريف متعددي از خشونت عليه زنان ارايه شده است و بر اساس اين تعريف برداشت‌هاي متفاوتي نيز در جوامع مختلف از خشونت و اشكال آن وجود دارد. تا قبل از ورود سازمان جهاني بهداشت به مقوله خشونت عليه زنان به ازاي تعريف و برداشتي كه از خشونت داده مي‌شد، ميزاني از خشونت‌ها مطرح و پيگيري مي‌شد. اما بعد از ورود سازمان جهاني بهداشت و تعريف روشن از خشونت و مصداق‌هاي آن رويكرد جوامع نيز در حال تغيير است. بر اين اساس قطعنامه مربوط به حذف خشونت عليه زنان كه بر گرفته از اجلاس عمومي سازمان ملل در سال 1993 بود، «خشونت عليه زنان را به عنوان هر رفتار خشن و وابسته به جنسيتي كه موجب آسيب جسمي، جنسي يا رواني يا رنج زنان شود، تعريف كرده است. چنين رفتاري مي‌تواند با تهديد، اجبار يا سلب مطلق اختيار و آزادي صورت گرفته و در جمع يا خفا رخ دهد.» اين مساله مي‌تواند مجموعه‌اي از رفتارها را در برگيرد. خشونت جسمي، جنسي و رواني كه در خانواده اتفاق مي‌افتد، شامل ضرب و شتم، سوءاستفاده جنسي از كودكان مونث در خانواده، خشونت وابسته به مهرية و جهيزية و تجاوز از دواجي، ختنه دستگاه تناسلي و ساير رفتارهاي سنتي مضر براي زنان، خشونت غير وابسته به نكاح و عروسي و خشونت مرتبط با سوءاستفاده و بهره‌برداري از زنان، خشونت جسمي، جنسي و رواني كه در جامعه عمومي اتفاق مي‌افتد، شامل تجاوز، سوءاستفاده جنسي، حملات مكرر و ارباب جنسي در محل كار، در موسسات آموزشي و ساير جاها؛ قاچاق زنان و فحشاي اجباري و خشونت جسمي، جنسي و رواني مرتكب شده يا اغماض شده توسط دولت در هر جا كه رخ دهد.

در قطعنامه «جهان عليه خشونت و افراط‌گرابي» برنامه‌هاي متعددي براي جلوگيري از خشونت عليه زنان ارايه شده است كه بايد همه كشورها نيز از اين برنامه‌ها بهره‌مند شوند. اما آنچه عملا در ايران اتفاق افتاده، آن است كه اساساً بخش عمده‌اي از خشونت‌ها عليه زنان گزارش نمي‌شود و تنها بخشي از خشونت‌هاي خانگي به پليس گزارش مي‌شود. در پژوهشي كه سال 1383 مركز امور مشاركت زنان نهاد رياست‌جمهوري روي 13 هزار نفر در 28 مركز استان انجام داد، ميزان مرگ و مير ناشي از خشونت در زنان 15 تا 46 ساله ايران برابر با ميزان مرگ و مير ناشي از سرطان گزارش شده است. اين موضوع كه بخش عمده‌اي از زنان خشونت ديده، موضوع خشونت را گزارش نمي‌دهند يا اينكه بخشي از

شکایت‌کنندگان، شکایت خود را پس گرفته یا پیگیری نکرده‌اند، نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد. قتل رومینا و مونا به عنوان نمونه‌های اخیر قتل‌های فجیع ناموسی در کشور، [حملات آسیبی](#) چند سال گذشته در اصفهان نماد بارزی از خشونت علیه زنان ایران است. اینها ناقوس‌های خطری است که اگر توجه جدی به آن نشود، آسیب‌های روانی آن تا مدت‌ها [جامعه زنان ایران](#) را در ناامنی قرار خواهد داد. مگر خداوند نگفته است «فبای ذنب قتلت»؛ و چه عذابی را که برای مرتکبین چنین خشونت‌هایی وعده داده است؟! آیا نظام اسلامی نمی‌خواهد برای همیشه به خشونت علیه زنان ایران فیصله دهد؛ اکثر جوامعی که توانسته‌اند در زمینه کاهش خشونت‌ها علیه زنان به موفقیت‌هایی دست یابند، با توجه به برنامه اقدام سازمان ملل، اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. رویه محتمل در کشور ما نیز علی‌القاعده باید بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق دنیا باشد.

این کشورها به دنبال آگاه‌سازی فزاینده‌ای که در زمینه بحث خشونت علیه زنان در خانواده‌ها با پیشگامی و تلاش صدها سازمان زنان در گوشه و کنار دنیا به عمل آمده، برخوردهای اولیه با مساله خشونت تقریباً در تمام سطوح جامعه صورت گرفته است. به عنوان مثال در آرژانتین، استرالیا، کاستاریکا، هند، ژاپن، لیبریا و... گروه‌های حمایتی تشکیل شده که در آن زنان بتوانند تجربه‌های‌شان را به اشتراک گذارند. این به عنوان راهی موثر برای کمک به زنان در جهت پایان دادن به مشکلات مربوط به ارتباطات خشن یا سازش با آن، مطرح است. در هند و در بین بومیان کانادا جوامع محلی موارد خشونت را گزارش و شوهران خشن را توبیخ کرده‌اند.

در امریکای لاتین و در برخی کشورهای آسیایی به منظور آرایه پاسخی متعهدانه و مناسب به جرایمی که علیه زنان رخ می‌دهند، مراکز پلیس زنان تاسیس شده است. در جامائیکا و کانادا دوره‌های آموزشی والدین غیر خشن و حل نزاع‌ها برای بالغین و کودکان برگزار می‌شود. در نیکاراگوئه، کاستاریکا و اوگاندا برنامه‌های سواد و اطلاع‌حقوقی و مشاوره برای تشویق زنان مضروب به شکایت تحت تعقیب قرار دادن ضاربین از سال‌ها قبل آغاز شده است. در زیمبابوه، ایالات متحده و برزیل آموزش حساس‌سازی متخصصان بهداشتی و پلیس و تهیه دستورالعمل‌هایی برای مواجهه با قربانیان [خشونت خانگی](#) آرایه شده است. در مصر، پاراگوآ، السالوادور، مالزی، انگلستان و کانادا برای زنانی که با شرکای خشن خود زندگی می‌کنند خانه‌ها و پناهگاه‌های امن تاسیس شده است.

در واقع با توجه به برنامه سازمان ملل و قطعنامه‌هایی که تاکنون برای مقابله با اشکال خشونت علیه زنان صادر شده است هر یک از کشورهای عضو برنامه‌ها و اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به بیان روشن‌تر مجموعه ظرفیت‌های حقیقی و حقوقی این کشورها با پذیرش اصل مساله و در یک اقدام هماهنگ نه تنها برای ارتقای جایگاه زنان تلاش می‌کنند، بلکه ظرفیت‌هایی را برای کاهش این آسیب اجتماعی ایجاد کرده‌اند. در نهایت می‌توان گفت کشورهای در کاهش و پیشگیری از خشونت علیه زنان موفق بوده‌اند که اقداماتی هماهنگ را برای نیل به اهداف ذیل در دستور کار خود قرار داده‌اند. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر نه به خشونت علیه زنان ابعاد عینی‌تری به خود گرفته است. اما تجربیات موفق دنیا برای مقابله با خشونت علیه زنان می‌تواند ما را نیز در کاهش این آسیب اجتماعی یاری رساند.

اقدامات:

1- قدم اول تعریف و توصیف مساله یا مشکل است. صورت مساله خشونت علیه زنان را نباید پاک کرد. مخاطب این حرف کسانی هستند که به اشکال مختلف خشونت علیه زنان را توجیه می‌کنند.

2- دومین اقدام درک مشکل: برای این کار باید از طریق پژوهش‌های میدانی به ابعاد خشونت با توجه به تعریفی که مشخص شده است، دست یافت. هم دولت و هم جامعه مدنی در این زمینه باید فعال باشند. انجام پژوهشی مانند سال ۸۳ می‌تواند در تبیین دقیق صورت مساله موثر واقع شود.

3- تشخیص معیارها و برنامه‌هایی که از خشونت پیشگیری کرده یا اینکه از اثرات جسمانی و روانی آن کم می‌کند.

4- آخرین اقدام اجرایی برنامه‌های هماهنگی است که در زمینه پیشگیری و درمان تاثیرگذار است. از آموزش و آگاهی بخشی به آحاد جامعه و اقدامات حمایت‌گرایانه‌ای مانند ایجاد خانه‌های امن که آسیب‌دیدگان انواع خشونت به آن نیازمندند تا وجود قوانینی که باید مجازات‌ها و ضمانت اجرای آن را به حدی برسانند که زنان در معرض خشونت ایران باور کنند این قوانین حامی و تامین‌کننده امنیت آنها در برابر عواملان خشونت است. در غیر این صورت این خشونت مهارشده نیست... .